



The Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World



<https://doi.org/10.22034/fasiw.2026.246820>



Article Type: Popular Science Article

France's Approach to the Palestinian Question

*Farzad Soltani¹, Mohadese Dousti²

1. PhD student, Department of European Studies (French Studies), Faculty of World Studies, University of Tehran

2. M.A. Student in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran

Article Info.

Received: 08/08/2025

Accepted: 28/10/2025

Available Online: 6/08/2026

Keywords:

France, Palestinian Question, Zionist Regime, Two-State Solution, Human Rights, Israeli Settlements.

*Corresponding Author:

Farzad Soltani

Address: PhD student, Department of European Studies (French Studies), Faculty of World Studies, University of Tehran.

E-mail:

farzadsoltani1990@yahoo.com

Abstract

France, given its longstanding relations and historical presence in the West Asia region, has thus far played a significant role in the Palestinian issue. The country has consistently defined its approach toward the Palestinian question in terms of its historical commitment and its stated preference for promoting a peaceful resolution to the conflict between the Zionist regime and Palestine. In line with this, the present study seeks to examine France's approach to the Palestinian issue. This article aims to address the following research question: What approach has France adopted toward the Palestinian question? The research hypothesis posits that while French diplomacy toward the Palestinian issue ostensibly reflects a balance between support for Palestinian rights to statehood and the imperative of ensuring the security of the Hebrew state, a closer analysis of France's actions in the areas of human rights, the illegal settlement activities of the Zionist regime, and the two-state solution reveals a profound gap between discourse and practice in the country's approach. The present research employs a descriptive-analytical method, and data collection has been conducted through library and documentary research, including books, specialized articles, and internet sources.

How to Site:

Soltani, F. (2026). France's Approach to the Palestinian Question. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 8(3), 226-250.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

بررسی رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین

*فرزاد سلطانی^۱، محدثه دوستی^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه مطالعات اروپایی (مطالعات فرانسه)، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۶ آبان ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۴ شهریور ۱۴۰۵

چکیده

کشور فرانسه با توجه به روابط و حضور دیرینه‌ای که در منطقه غرب آسیا دارد، تاکنون نقش مهمی در مسئله فلسطین بازی کرده است. این کشور، همواره رویکرد خود نسبت به مسئله فلسطین را با تعهد تاریخی و تمایل به ترویج راه حل مسالمت آمیز برای مناقشه بین رژیم صهیونیستی و فلسطین تعریف کرده است. در همین راستا، پژوهش حاضر در پی بررسی رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین است. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که فرانسه نسبت به مسئله فلسطین چه رویکردی اتخاذ کرده است؟ فرضیه تحقیق این است که دیپلماسی فرانسه در قبال مسئله فلسطین در ظاهر منعکس کننده تعادل بین حمایت از حقوق فلسطینیان برای تشکیل دولت فلسطین و نیاز به تضمین امنیت دولت عبری است، ولی در باطن با تحلیل اقدامات فرانسه در حوزه‌های حقوق بشر، شهرک‌سازی‌های غیر قانونی رژیم صهیونیستی، راه حل دو دولت، به شکاف عمیقی بین گفتار و عمل در رویکرد این کشور پی خواهد برد. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته و گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتاب‌ها، مقالات تخصصی و اینترنت بوده است.

کلیدواژه‌ها:

فرانسه، مسئله فلسطین، رژیم صهیونیستی، طرح دو دولت، حقوق بشر، شهرک‌سازی.

* نویسنده مسئول:

فرزاد سلطانی

شناسی: دانشجوی دکتری، گروه مطالعات اروپایی (مطالعات فرانسه)، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران.
پست الکترونیک:
farzadsoltani1990@yahoo.com

استناد به این مقاله:

سلطانی، فرزاد. (۱۴۰۵). بررسی رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۸(۳)، ۲۲۶-۲۵۰.

۱. مقدمه

فرانسه به‌عنوان کشوری با پیشینه استعماری و نقشی تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی شناخته می‌شود. رقابت‌های استعماری در بین کشورهای اروپایی در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی موجب شد تا فرانسه به‌عنوان یکی از پیشگامان استعمار، امروزه از حضوری و نفوذ دیرینه‌ای در آسیا برخوردار باشد. بااین‌حال، حضور پررنگ استعماری فرانسه در غرب آسیا به‌ویژه در جریان جنگ جهانی اول و همزمان با فروپاشی امپراتوری عثمانی شکل گرفت. بر اساس توافق‌نامه سایکس-پیکو (۱۹۱۶)، سرزمین‌های سوریه، عراق، لبنان و فلسطین میان فرانسه و بریتانیا تقسیم شد (Rota, 2017: 66-73). مسئله فلسطین ازجمله مواردی است که فرانسه با توجه به منافع و رویکردهای استعماری خود، موضعی مبتنی بر موازنه میان طرفین درگیر اتخاذ کرده است (Boniface, 2020). از زمان تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، سیاستمداران فرانسوی عموماً از راه‌حل دو دولتی حمایت کرده‌اند که بر اساس آن، یک دولت فلسطینی مستقل در کنار اسرائیل و در شرایط صلح‌آمیز وجود داشته باشد. بااین‌حال، با بررسی دقیق‌تر مواضع فرانسه، تناقض‌هایی بین گفتار و اقدامات این کشور مشاهده می‌شود که عمدتاً در راستای حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی و در تضاد با آرمان‌های مردم فلسطین بوده است.

طبق مطالب پیشین، همان‌طور که اشاره شد، مقاله حاضر با هدف بررسی رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین نگاشته شده است. این پژوهش با هدف واکاوی رویکرد فرانسه در قبال مسئله فلسطین و با تمرکز بر سه محور حقوق بشر، راه‌حل دو دولتی و شهرک‌سازی‌های غیرقانونی رژیم صهیونیستی انجام شده است. یافته‌های تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده، حاکی از آن است که دیپلماسی رسمی فرانسه در ظاهر بر تعهد به حقوق بین‌الملل، حمایت از حقوق فلسطینیان برای تشکیل دولت مستقل و ضرورت تضمین امنیت اسرائیل تأکید می‌ورزد. با این حال، تحلیل عملی مواضع و اقدامات این کشور در عرصه‌های فوق، شکاف عمیقی را بین گفتار و عمل آن آشکار می‌سازد. این شکاف که در قالب محکومیت‌های لفظی فاقد ضمانت اجرا، تعلل در به رسمیت‌شناسی کامل دولت فلسطین و عدم اجرای مؤثر سیاست‌های تفکیک در برابر شهرک‌سازی‌ها تجلی یافته، مؤید اتخاذ استانداردهای دوگانه و اولویت منافع ملی و ملاحظات راهبردی فرانسه بر اصول اعلامی و هنجارهای حقوق بشری است.

۲. پیشینه پژوهش

در طی چند دهه‌ی گذشته، در حوزه مسئله فلسطین، محتوای پژوهشی قابل توجهی به انتشار رسید، اما با جستار در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در رابطه با موضوع پژوهش حاضر محتوای قابل توجهی به زبان فارسی وجود ندارد. در حوزه سیاست خارجه فرانسه در قبال تحولات و مسائل خاورمیانه، فرزاد سلطانی نویسنده مقاله حاضر، چندین اثر نگاشته است، از جمله مقاله «آینده پژوهی سیاست خارجی و دفاعی فرانسه در قبال بحران یمن و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» (۱۴۰۰) را می‌توان اشاره داشت. این مقاله در بخش‌های به اهمیت بازار تسلیحات منطقه غرب آسیا برای فرانسه و علل همسویی این کشور با دولت‌های عربی منطقه خلیج فارس در حمله به یمن را مورد بررسی قرار داده است. همچنین، این نویسنده، در یک مقاله‌ای کنفرانسی تحت عنوان «سیاست خارجه فرانسه در جمهوری پنجم با تاکید بر دوران ریاست جمهوری فرانسوا اولاند» (۱۴۰۰) پس از شرح چهار محور اصلی سیاست خارجه فرانسه در جمهوری پنجم به سیاست خارجه دولت فرانسوا اولاند در قبال مسئله فلسطین پرداخته است. در منابع انگلیسی زبان، فرزاد سلطانی یکی از نویسندگان مقاله حاضر به همراه سایر همکاران، پژوهشی تحت عنوان «بررسی دیدگاه ادوارد سعید نسبت به مسئله فلسطین در آثار وی» (۱۴۰۳) در نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام منتشر کرد. این اثر پژوهشی نشان می‌دهد که ادوارد سعید از سازمان‌های بین‌المللی، کشورهای غربی و رسانه‌های آنها انتقاد می‌کند، چرا که از دیدگاه این نویسنده، در بحران فلسطین آنها فقط دیدگاه رژیم صهیونیستی را در نظر می‌گیرند. بنابراین، او ضرورت دانسته که صدای فلسطینی‌ها باید شنیده شود، همچنین سیاست رسمی صهیونیست‌ها، مواضع آمریکا و سران کشورهای عربی را مورد نقد خود قرار داده است. همچنین، فرزاد سلطانی و همکاران مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «تأثیر مسئله فلسطین بر کنش‌های سیاسی و اجتماعی حزب فرانسه تسلیم‌ناپذیر» (۱۴۰۵)، نوشتند که از طریق بررسی بیانیه‌ها، فعالیت‌های سیاسی و استراتژی‌های بسیج حزب، به تحلیل این موضوع می‌پردازد که چگونه حمایت از حقوق فلسطینیان به مؤلفه‌ای قابل مشاهده از هویت سیاسی و اقدام عمومی این حزب تبدیل شده است.

همچنین، بندیتا ولتولینی^۱ در سال ۲۰۱۸، مقاله‌ای با عنوان «فرانسه و اشغالگری اسرائیل:

1. Benedetta Voltolini

حرفهای که زده می‌شود ولی به اقدام تبدیل نمی‌شوند؟^۲ را نگاشته است. این مقاله به بررسی شکاف بیان و عمل در سیاست خارجی فرانسه در برابر اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل می‌پردازد. این نشان می‌دهد که فرانسه از سال ۱۹۶۷ موضع لفاظی نسبتاً ثابتی در مورد مناقشه اسرائیل و فلسطین و اشغالگری رژیم صهیونیستی، بر اساس محکومیت شهرک‌سازی‌های اسرائیلی در این مناطق و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت فلسطینیان حفظ کرده است. با این حال، در عمل فرانسه در اجرای تدابیر و سیاست‌هایی با هدف به رسمیت نشناختن شهرک‌های اسرائیل کوتاهی کرده است.

در منابع فرانسوی زبان، فرزاد سلطانی نویسنده مقاله حاضر، در سال ۱۳۹۵ پایان نامه کارشناسی ارشد خود (به زبان فرانسه) با عنوان «مقایسه سیاست خارجه احزاب گلیستی و سوسیالیستی فرانسه در قبال کشورهای عربی منطقه خاورمیانه» را نگاشته است که در این پژوهش نویسنده با بررسی سیاست این دو حزب فرانسوی در قبال جنگ اعراب و اسرائیل، چنین تحلیل می‌کند که این احزاب برای دستیابی به منافع ملی خود در هر برهه‌ی زمانی شعارها و اقداماتی را با هدف ایجاد موازنه بین این دو طیف انجام می‌دادند. در سال ۲۰۱۷، مقاله «فرانسه و مسئله فلسطین: پایان سیاست فرانسه در خاورمیانه؟»^۳ توسط نیکلاس دات-پویار^۴ منتشر شده است. این پژوهش به نقش و تلاش فرانسه در مذاکرات رژیم صهیونیستی و فلسطین می‌پردازد. در همین ارتباط، نائل الکیهال^۵ در یک پژوهشی با عنوان «تحولات دیپلماسی فرانسه در مورد مسئله فلسطین» به تاریخچه دیپلماسی فرانسه از جمهوری چهارم تا دوران ریاست جمهور امانوئل ماکرون در قبال مسئله فلسطین می‌پردازد. در واقع هدف نویسنده این است که به این سوال پاسخ دهد: چگونه دیپلماسی فرانسه از یک دیپلماسی با هاله و نفوذ ملموس به یک دیپلماسی مردد و بدون چشم‌انداز برای مسئله فلسطین تبدیل شده است؟

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با هدف بررسی رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین انجام شده است. روش‌شناسی آن مبتنی بر رویکرد استدلالی است. نوع تحقیق کاربردی-توسعه‌ای و روش آن

2. France and the Israeli occupation: Talking the talk, but not walking the walk?
3. La France et la question palestinienne: la fin d'une politique française au Proche-Orient?
4. Nicolas Dot-Pouillard
5. Nael El Kihal

توصیفی-تحلیلی است. در رویکرد استدلالی، اهداف، نیات و روابط بین پدیده‌ها بر اساس شواهد و سرنخ‌های موجود کشف و بیان می‌شود. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم، این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و همچنین اسناد و بایگانی‌های مرتبط با موضوع استفاده کرده است. روش تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی با استفاده از تحلیل محتوا و با تکیه بر نظرات متخصصان این حوزه انجام شده است.

۴. چارچوب نظری: رئالیسم کلاسیک

رئالیسم کلاسیک به عنوان یکی از پارادایم‌های بنیادین در روابط بین‌الملل، چارچوب تحلیلی قدرتمندی برای بررسی رفتار دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی ارائه می‌دهد. این نظریه که ریشه در اندیشه‌های متفکرانی چون توسیدید، ماکیاولی و هابز دارد، بر محور مفاهیمی چون منافع ملی، قدرت، امنیت و بقای دولت در محیط آنارشیک بین‌المللی استوار است (Jeangène Vilmer, 2023: 22-26). برای تحلیل رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین، رئالیسم کلاسیک با تأکید بر محاسبات عقلانی مبتنی بر منافع ملی و ملاحظات راهبردی، ابزار تحلیلی مناسبی فراهم می‌آورد. رئالیسم کلاسیک بر چند اصل بنیادین استوار است: اولاً، دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل عمل می‌کنند. ثانیاً، محیط بین‌المللی ذاتاً آنارشیک است و فقدان مرجعیت مرکزی، دولت‌ها را ناگزیر به تکیه بر خود می‌سازد. ثالثاً، دولت‌ها عمدتاً بر اساس محاسبات عقلانی و در جهت تأمین منافع ملی عمل می‌کنند. رابعاً، بقا و امنیت دولت برترین اولویت در سیاست خارجی محسوب می‌شود. در این چارچوب، اخلاقیات و هنجارهای بین‌المللی تنها زمانی مورد توجه قرار می‌گیرند که با منافع ملی همسو باشند (Éthier, 2010).

رفتار فرانسه در قبال مسئله فلسطین را می‌توان در چارچوب راهبرد تعادل‌سازی کلاسیک تحلیل کرد. فرانسه به عنوان یک قدرت متوسط با آرمان‌های جهانی، همواره تلاش کرده است تا در محیط پیچیده خاورمیانه موازنه‌ای بین منافع متعارض خود برقرار کند. از یک سو، حفظ روابط استراتژیک با اسرائیل به عنوان متحد غربی و شریک تجاری-امنیتی مهم، و از سوی دیگر، حفظ نفوذ در جهان عرب و میان کشورهای اسلامی که برای اقتصاد و امنیت انرژی فرانسه حیاتی هستند. این تعادل‌سازی دقیقاً منطبق بر محاسبات عقلانی رئالیستی برای بیشینه‌سازی منافع ملی است. شکاف بین گفتار و عمل فرانسه که در مقاله به آن اشاره

شده است، از منظر رئالیسم کلاسیک نه یک تناقض، بلکه بازتاب اولویت‌دهی به ملاحظات امنیتی و راهبردی بر اصول اخلاقی است. محکومیت‌های لفظی شهرک‌سازی‌های اسرائیل در عین تداوم همکاری‌های اقتصادی و امنیتی، نمونه‌ای بارز از این منطق رئالیستی است. فرانسه ترجیح می‌دهد به جای اقدامات تنبیهی پرهزینه، از ابزارهای دیپلماتیک نمادین استفاده کند که مشروعیت بین‌المللی آن را حفظ می‌کند بدون آنکه منافع ملموس آن را به خطر اندازد.

تأکید رئالیسم کلاسیک بر قدرت به عنوان محور اصلی رفتار بین‌المللی (Kumari, 2023:57)، در رویکرد فرانسه به وضوح قابل مشاهده است. تلاش فرانسه برای حفظ نقش میانجی‌گری در خاورمیانه، نه تنها ناشی از تعهد به صلح، بلکه انعکاس تلاش برای حفظ و افزایش نفوذ و قدرت این کشور در منطقه است. ابتکارات صلح متعدد فرانسه در دهه‌های مختلف، در کنار نمایش تعهد به حقوق بین‌الملل، در واقع ابزاری برای تقویت موقعیت این کشور به عنوان بازیگری جهانی و مستقل از آمریکا است. رفتار فرانسه در قبال مسئله فلسطین نمونه‌ای کلاسیک از محاسبه سود و هزینه است. به رسمیت نشناختن کامل دولت فلسطین علیرغم حمایت رسمی از راه حل دو دولتی، ناشی از محاسبه دقیق هزینه‌های چنین اقدامی در روابط با اسرائیل و آمریکا در مقابل منافع محدود آن است. به همین ترتیب، اجرای ضعیف سیاست تفکیک در مورد محصولات شهرک‌های اسرائیلی نشان می‌دهد که منافع اقتصادی و تجاری با اسرائیل بر تعهدات هنجاری اولویت دارد. رئالیسم کلاسیک با تأکید بر منافع مادی به عنوان محرک اصلی رفتار دولت‌ها، توضیح می‌دهد که چرا همکاری‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی فرانسه با اسرائیل علیرغم انتقادات حقوق بشری ادامه دارد. صنایع دفاعی، فناوری‌های پیشرفته و همکاری‌های امنیتی سود ملموسی برای فرانسه ایجاد می‌کنند که بر نگرانی‌های هنجاری درباره حقوق فلسطینیان اولویت می‌یابد.

چارچوب رئالیسم کلاسیک توضیح جامعی از تناقض ظاهری در رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین ارائه می‌دهد. این تناقض در واقع بازتاب محاسبات عقلانی یک دولت در محیط بین‌المللی آنارشیک است که در آن بقا، امنیت و منافع ملی بر ارزش‌های اخلاقی و هنجاری اولویت دارند. رفتار فرانسه نه به عنوان نمونه‌ای از استانداردهای دوگانه، بلکه به عنوان مطالعه‌ای موردی از کاربرد عملی اصول رئالیستی در سیاست خارجی قابل درک است. دیپلماسی فرانسه در قبال فلسطین نمایشی از تلاش برای بیشینه‌سازی نفوذ و قدرت در شرایطی است که منافع متعارض، این کشور را ناگزیر به اتخاذ رویکردی محتاطانه و مصلحت‌جویانه ساخته است. از این

منظر، شکاف بین گفتار و عمل فرانسه نه یک ضعف اخلاقی، بلکه انتخابی عقلانی در جهت حفظ و ارتقای منافع ملی این کشور در صحنه پیچیده بین‌المللی است. رویکرد فرانسه نسبت به سه محور اصلی مورد بررسی در مقاله - حقوق بشر، راه حل دو دولتی و شهرک‌سازی - به خوبی در این چارچوب نظری قابل تبیین است. در هر سه حوزه، فرانسه منافع راهبردی خود را بر پایبندی به اصول اخلاقی و حقوق بین‌الملل ترجیح داده است که کاملاً با پیش‌بینی‌های نظریه رئالیسم کلاسیک همخوانی دارد.

۴-۱. مسئله فلسطین

مسئله فلسطین یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین مناقشات سیاسی در تاریخ معاصر است که ریشه‌های آن به اوایل قرن بیستم و حتی قبل از آن بازمی‌گردد. این مسئله نه تنها ابعاد سیاسی، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و انسانی نیز دارد و تأثیرات عمیقی بر زندگی میلیون‌ها نفر در منطقه و جهان گذاشته است (Koohkan, 2025: 338-339). برای درک بهتر این مسئله، باید به تاریخچه و تحولات کلیدی آن توجه کنیم.

در اوایل قرن بیستم، با افزایش احساس ملی‌گرایی در میان یهودیان و عرب‌ها، تنش‌ها در سرزمین فلسطین شروع به افزایش کرد. یهودیان به دنبال ایجاد یک «خانه ملی» در فلسطین بودند، جایی که آنها بتوانند از آزار و اذیت‌های ناشی از آنتی‌سمیسم در اروپا فرار کنند (Rota, 2017: 65). در سال ۱۹۱۷، اعلامیه بالفور توسط دولت بریتانیا صادر شد که حمایت این کشور از تأسیس یک «خانه ملی یهودی» در فلسطین را اعلام می‌کرد. این اعلامیه واکنش‌های شدیدی از طرف عرب‌های فلسطینی به همراه داشت که نگران از دست دادن سرزمین خود بودند (Imseis, 2018: 29-35).

پس از جنگ جهانی اول و سقوط امپراتوری عثمانی، بریتانیا تحت قیمومیت جامعه ملل مسئولیت اداره فلسطین را بر عهده گرفت. در این دوره، مهاجرت یهودیان به فلسطین افزایش یافت و این موضوع موجب بروز تنش‌ها و خشونت‌ها میان دو جامعه یهودی و عرب شد. در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل طرح تقسیم فلسطین را ارائه داد که بر اساس آن، سرزمین فلسطین به دو دولت یهودی و عربی تقسیم می‌شد. این طرح با مخالفت شدید عرب‌ها مواجه شد و در نهایت در سال ۱۹۴۸، با اعلام استقلال اسرائیل، جنگ اول اعراب-اسرائیل آغاز شد (Imseis, 2018: 27).

نتیجه این جنگ برای فلسطینیان فاجعه‌آمیز بود. هزاران نفر از آنها مجبور به ترک خانه‌های

خود شدند و این پدیده به «یوم النکبة» (فاجعه) معروف شد. بسیاری از فلسطینیان هنوز هم خواستار حق بازگشت به سرزمین‌های خود هستند و این مسئله یکی از موضوعات اصلی مناقشه باقی مانده است. پس از جنگ ۱۹۴۸، سرزمین فلسطین به دو بخش تقسیم شد: کرانه باختری که تحت کنترل اردن قرار گرفت و غزه که تحت کنترل مصر بود (Geisser, 2024: 7-8).

در دهه ۱۹۶۰، با ظهور سازمان آزادی‌بخش فلسطین^۶ (PLO) به رهبری یاسر عرفات، جنبش ملی‌گرایی فلسطینی شکل جدیدی به خود گرفت. این سازمان به عنوان نماینده قانونی فلسطینیان شناخته شد و هدف آن مبارزه برای حقوق ملی فلسطینیان و تأسیس یک دولت مستقل بود. در سال ۱۹۶۷، جنگ شش روزه رخ داد که در نتیجه آن اسرائیل کنترل کرانه باختری، غزه و دیگر مناطق را به دست آورد. این جنگ نه تنها موجب تغییرات مرزی شد، بلکه بحران جدیدی در مسئله فلسطین ایجاد کرد. (Guarino, 2012: 12-14)

از آن زمان به بعد، روند صلح و مذاکرات میان اسرائیل و فلسطینیان آغاز شد. توافقات اسلو در دهه ۱۹۹۰ امیدهایی برای صلح ایجاد کرد و به تأسیس تشکیلات خودگردان فلسطینی منجر شد. اما این توافقات نتوانست به حل مشکلات بنیادی مانند وضعیت قدس، حق بازگشت پناهندگان فلسطینی و تعیین مرزها منجر شود. در سال‌های بعد، خشونت‌ها دوباره شدت گرفت و انتفاضه‌ها (حملات فلسطینیان علیه اشغال رژیم صهیونیستی) نشان‌دهنده ناامیدی عمیق فلسطینیان از روند صلح اسلو بود.

در دهه ۲۰۰۰، با وقوع انتفاضه دوم، تنش‌ها بین دو طرف افزایش یافت و اسرائیل سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را اتخاذ کرد. ساخت شهرک‌ها در کرانه باختری ادامه یافت و شرایط زندگی فلسطینیان به شدت دشوارتر شد. همچنین، جنگ‌های متعددی میان اسرائیل و حماس (گروه اسلامی که کنترل غزه را بر عهده دارد) رخ داد که منجر به تلفات انسانی بالا و تخریب زیرساخت‌ها در غزه شد (Mousavi et al., 2021 : 153).

در سال‌های اخیر، با تغییرات سیاسی در منطقه و جهان، مسئله فلسطین همچنان مورد توجه قرار دارد. کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند تا نقش میانجی‌گر را ایفا کنند اما نتایج چندانی حاصل نشده است. همچنین، تحولات داخلی فلسطین نیز بر این مسئله تأثیرگذار بوده است؛

6. Palestine Liberation Organization

اختلافات میان فتح (حزب حاکم در کرانه باختری) و حماس (حزب حاکم در غزه) باعث شده است که جنبش ملی‌گرایی فلسطینی دچار تفرقه شود.

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که تنها راه حل پایدار برای این مسئله، ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل است. اما دستیابی به این هدف نیازمند اراده سیاسی قوی از سوی هر دو طرف و همچنین حمایت جامعه بین‌المللی است. همچنین، حل مسائل بنیادی مانند حق بازگشت پناهندگان، وضعیت قدس و مرزها باید مورد توجه قرار گیرد.

در پایان، مسئله فلسطین نه تنها یک مناقشه سیاسی بلکه یک بحران انسانی است که میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار داده است. تلاش برای یافتن راه‌حل پایدار و عادلانه برای این مسئله ضروری است تا صلح و ثبات در منطقه برقرار شود.

۴-۲. تاریخچه‌ای از مواضع فرانسه نسبت به جنگ فلسطین و اسرائیل

تاریخچه مواضع فرانسه در مسئله فلسطین به‌طور مستقیم با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور و همچنین روابط بین‌المللی آن در قرن بیستم و بیست و یکم گره خورده است. طبق مطالب پیشین، از زمان جنگ جهانی اول تا به امروز، فرانسه نقش مهمی در تحولات غرب آسیا و به‌ویژه در مسئله فلسطین ایفا کرده است. به‌عبارتی دیگر، پس از جنگ جهانی اول و سقوط امپراتوری عثمانی، فرانسه و بریتانیا به‌عنوان قدرت‌های استعماری جدید در خاورمیانه، مسئولیت اداره مناطق مختلف از غرب آسیا را بر عهده گرفتند. در این زمان، فرانسه به‌ویژه در سوریه و لبنان نفوذ داشت، در حالی که بریتانیا مسئولیت فلسطین را بر عهده گرفت. در سال ۱۹۱۷، اعلامیه بالفور توسط دولت بریتانیا صادر شد که حمایت این کشور از تأسیس «خانه ملی یهودی» در فلسطین را اعلام می‌کرد. این اقدام باعث بروز تنش‌ها میان جامعه یهودی و عرب فلسطینی شد (Votolini, 2018: 52-53).

در دهه‌های بعد، فرانسه به‌عنوان یکی از اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، همواره در تلاش برای یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک برای مسئله فلسطین بود. در سال ۱۹۴۷، سازمان ملل طرح تقسیم فلسطین را ارائه داد که به تأسیس دولت یهودی و دولت عربی در این سرزمین اشاره داشت. فرانسه به این طرح رأی مثبت داد، اما پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، فرانسه با توجه به جنگ کانال سوئز و پشتیبانی دولت‌های عربی با سردمداری جمال عبدالناصر از نیروهای مقاومت در الجزایر، در صدد پشتیبانی تسلیحاتی و تکنولوژی (فناوری)

هسته‌ای، موشک و ...) از دولت عبری بود (De Montbrial, 2021 : 16-17). به عبارتی دیگر، در دهه ۱۹۵۰، فرانسه در کنار انگلستان برای حفظ موجودیت دولت صهیونیستی (که همسوی با دولت‌های غربی بود)، و برای از بین بردن تهدیدات ملی‌گرای دولت‌های عربی به رهبری جمال عبدالناصر اقدام به توسعه تسلیحات نظامی رژیم صهیونیستی کرد.

در دهه ۱۹۶۰، روابط فرانسه و رژیم صهیونیستی به اوج خود رسید. پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ که این رژیم موفق شد همسایگان عربی خود را شکست دهد و قلمرو خود را گسترش دهد و از سویی دیگر، حمایت نظامی (فروش تسلیحات) فرانسه از دولت عبری در جهان عرب مورد انتقاد قرار گرفت. در پاسخ به فشارهای بین‌المللی و پویایی‌های ژئوپلیتیکی در حال تغییر، ظهور جنبش‌های ملی‌گرای عرب و به‌ویژه سازمان آزادی‌بخش فلسطین (PLO)، دولت فرانسه موضع متعادل‌تری را در قبال درگیری اعراب و اسرائیل اتخاذ کرده است و به‌طور فزاینده‌ای به حمایت از حقوق فلسطینیان پرداخته و روابط خود را با این سازمان تقویت کرد. این رویکرد به‌ویژه تحت رهبری رئیس‌جمهور شارل دوگل شکل گرفت که به دنبال ایجاد یک سیاست خارجی مستقل برای فرانسه بود. دوگل معتقد بود که حل مسئله فلسطین یکی از پیش‌نیازهای صلح پایدار در خاورمیانه است. (El Kihal, 2024)

پس از جنگ یوم کپور در سال ۱۹۷۳، فرانسه سیاست انتقادی‌تری را در قبال اسرائیل اتخاذ کرده است، به ویژه به دلیل نگرانی در مورد حقوق فلسطینیان و تنش‌های که در غرب آسیا در حال افزایش بود. علت همسویی فرانسه با کشورهای عربی را می‌توان در رهایی فرانسه از شوک نفتی یا تحریمات نفتی که کشورهای عربی علیه دولت‌های غربی اتخاذ کرده بودند، دانست. در دوران ریاست ژرژ پمپیدو (۱۹۷۴-۱۹۶۹) و بعداً والری ژیسکار دستن (۱۹۷۴-۱۹۸۱)، فرانسه به دنبال ایفای نقش میانجی در مناقشه اعراب و اسرائیل بود. در این ارتباط، فرانسه در سال ۱۹۷۴ سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به عنوان نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخت. این اقدام به منزله گسست از سیاست قبلی تلقی می‌شد که به نفع اسرائیل بود. با این حال، علیرغم این تغییرات، روابط نظامی بین این دو (فرانسه-اسرائیل) ادامه یافت، البته کمتر به چشم می‌آمد (De Montbrial, 2021 : 16-20).

در دهه‌ی ۱۹۸۰، فرانسه به‌عنوان یکی از حامیان اصلی حقوق فلسطینیان خود را معرفی می‌کرد. این کشور میزبان کنفرانس‌های بین‌المللی درباره صلح خاورمیانه بود و تلاش کرد تا نقش میانجی‌گر را ایفا کند. در سال ۱۹۸۲، فرانسه طرح صلحی را ارائه داد که شامل تشکیل یک

دولت فلسطینی در کنار اسرائیل بود. این طرح هرچند مورد استقبال قرار نگرفت. فرانسوا میتران (۱۹۸۱-۱۹۹۵) رئیس جمهور وقت فرانسه، سیاست خارجی‌ای را دنبال می‌کرد که به دنبال متعادل کردن منافع فرانسه در منطقه غرب آسیا و حفظ روابط با رژیم صهیونیستی بود (France Diplomatie, 2020). با این حال، تنش‌ها به ویژه در مورد اقدامات اسرائیل در کرانه باختری و غزه همچنان افزایش یافت. همچنین، جنگ ۱۹۸۲ لبنان این تنش‌ها را تشدید کرد. فرانسه یک نیروی چند ملیتی را برای کمک به ثبات اوضاع در لبنان اعزام کرد، اما حمله رژیم صهیونیستی به لبنان مورد انتقاد گسترده دولت فرانسه قرار گرفت. زمانی که اتهامات دخالت فرانسه در حمایت از شبه نظامیان لبنانی مطرح شد و روابط بیشتر متشنج شد. (El Kihal, 2024)

با ورود به دهه ۱۹۹۰ و فرایند صلح اسلو، رویکرد فرانسه کمی تغییر کرد. فرانسه تلاش کرد تا نقش خود را به عنوان یک میانجی فعال حفظ کند، اما با توجه به تغییرات سیاسی در منطقه و همچنین فشارهای داخلی، نتوانست تأثیرگذار باشد. در این دوره، فرانسه به انتقاد از سیاست‌های اسرائیل پرداخته و خواستار برقراری حقوق فلسطینیان شد. سفر پرزیدنت ژاک شیراک (۲۰۰۷-۱۹۹۵) به سرزمین‌های اشغالی در سال ۱۹۹۶ یک لحظه نمادین از نزدیکی بود. شیراک ضمن ابراز حمایت از امنیت اسرائیل بر اهمیت یافتن راه حل عادلانه برای فلسطینیان تاکید کرد. (El Kihal, 2024)

آغاز قرن بیست و یکم با تشدید تنش بین فرانسه و دولت عبری مشخص شد. انتفاضه دوم (۲۰۰۰-۲۰۰۵) اختلافات بین دو طیف را تشدید کرد. انتقاد فرانسه از اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی در اراضی فلسطینی واکنش‌های شدید لفظی فرانسه را برانگیخته بود. دولت عبری از آنچه به نظر آنها موضع مغرضانه ژاک شیراک در قبال فلسطینی‌ها است، ابراز نارضایتی کرده بود. نیکلا سارکوزی (۲۰۱۲-۲۰۰۷)، تلاش کرد با اتخاذ رویکردی مطلوب تر نسبت به دولت یهود، روابط با اسرائیل را احیا کند. او به ویژه از حق اسرائیل برای دفاع از خود در برابر تهدیدات امنیتی حمایت کرد (Yldiz, 2012: 18-20). در دوران ریاست جمهوری فرانسوا اولاند (۲۰۱۷-۲۰۱۲)، روابط فرانسه و اسرائیل با فراز و نشیب همراه بود. فرانسه همچنان از راه حل دو کشوری حمایت می‌کند و در عین حال اقدامات اسرائیل را که مغایر با قوانین بین المللی تلقی می‌شود، محکوم می‌کند (Elnet, 2018).

در سال‌های اخیر، با تشدید تنش‌ها میان اسرائیل و فلسطینیان و همچنین افزایش ناامنی‌ها در منطقه، رویکرد فرانسه تحت تأثیر قرار گرفته است. دولت‌های مختلف فرانسوی تلاش

کرده‌اند تا با تأکید بر اهمیت مذاکرات صلح و راه‌حل دو دولتی، موضع خود را حفظ کنند. همچنین، فرانسه به انتقاد از سیاست‌های رژیم صهیونیستی در زمینه ساخت شهرک‌ها در کرانه باختری پرداخته و خواستار توقف این فعالیت‌ها شده است. اخیراً، در دوران امانوئل ماکرون، فرانسه به دنبال حفظ تعادل ظریف بین حمایت خود از اسرائیل و تمایلش برای دفاع از حقوق فلسطینیان بوده است. ماکرون ضمن حمایت از امنیت اسرائیل از سرگیری مذاکرات بین اسرائیل و فلسطینی‌ها حمایت کرد. (Safouri, 2024: 157-158)

۴-۳. رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین

در این بخش به رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین در زمینه‌های حقوق بشر، راه‌حل دو دولتی و شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۳-۱. رویکرد فرانسه نسبت به حقوق بشر در فلسطین

رویکرد فرانسه نسبت به حقوق بشر در فلسطین، به عنوان یکی از کشورهای مؤثر و تاریخی در سیاست‌های غرب آسیا، همواره تحت تأثیر چندین عامل سیاسی، تاریخی و اجتماعی قرار داشته است. این کشور که خود را به عنوان مدافع حقوق بشر در سطح بین‌المللی معرفی کرده است، در زمینه مسئله فلسطین نیز مواضع خاصی را اتخاذ کرده است. در این راستا، فرانسه همواره بر اهمیت احترام به حقوق بشر و قوانین بین‌المللی تأکید کرده و تلاش کرده است تا نقش میانجی‌گری را در مذاکرات صلح ایفا کند (Le site de Sé nat, 2023).

طبق مطالب پیشین، همان‌طور که اشاره شد، فرانسه به عنوان یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل و همچنین یکی از کشورهایی که در تاریخ معاصر خود روابط نزدیکی با کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی داشته، همواره سعی کرده است تا مواضع متوازن‌تری را در قبال مسئله فلسطین اتخاذ کند. این کشور به تأسیس یک دولت مستقل فلسطینی و حق تعیین سرنوشت برای مردم فلسطین اعتقاد دارد و بارها خواستار پایان اشغالگری اسرائیل شده است. فرانسه در عین حال، حمایت خود را از حق دولت عبری برای امنیت نیز ابراز کرده و بر لزوم وجود یک راه‌حل دو دولتی تأکید می‌کند (Le site de Sé nat, 2023). یکی از ابعاد مهم رویکرد فرانسه به حقوق بشر در فلسطین، توجه به وضعیت انسانی و اجتماعی فلسطینیان است.

با رصد در منابع وزارت خارجه، مجلس سنا و مجلس ملی فرانسه، این کشور همواره نسبت به نقض حقوق بشر در مناطق اشغالی ابراز نگرانی کرده و گزارش‌های متعددی درباره وضعیت زندگی فلسطینیان، تبعیض‌ها، خشونت‌ها و تخریب زیرساخت‌ها منتشر کرده است. فرانسه همچنین به نقش سازمان‌های غیردولتی و نهادهای بین‌المللی در ارائه کمک‌های انسانی به فلسطینیان تأکید می‌کند و از تلاش‌های این نهادها برای حمایت از حقوق بشر در فلسطین حمایت می‌کند (France Diplomatie, 2024) (Dot-Pouillard, 2017: 5-6).

با رصد سایت وزارت خارجه فرانسه، مشخص است که در سال‌های اخیر، این کشور به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در تلاش برای برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی برای صلح در خاورمیانه عمل کرده است. این کنفرانس‌ها معمولاً با هدف جلب توجه جامعه جهانی به بحران فلسطین و ایجاد فضایی برای مذاکره میان طرفین برگزار می‌شود. فرانسه امیدوار است که از طریق این کنفرانس‌ها، فشار بیشتری بر اسرائیل وارد شود تا به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق بشر پایبند باشد (France Diplomatie, 2024).

با این حال، رویکرد فرانسه به مسئله فلسطین بدون چالش نبوده است. برخی منتقدان معتقدند که مواضع فرانسه ممکن است تحت تأثیر روابطش با کشورهای عربی و همچنین نیازهای داخلی سیاسی قرار گیرد. همچنین، انتقادات مربوط به عدم اقدام عملی کافی در برابر نقض‌های مکرر حقوق بشر در مناطق اشغالی نیز مطرح شده است. برخی تحلیلگران بر این باورند که فرانسه باید مواضع خود را قوی‌تر کند و اقدامات مؤثرتری را برای حمایت از حقوق بشر در فلسطین انجام دهد (Bauchard, 2024) (Voltolini, 2018: 55-60).

علاوه بر این، رویکرد فرانسه به حقوق بشر در فلسطین تحت تأثیر تحولات جهانی و منطقه‌ای نیز قرار دارد. تغییرات سیاسی در کشورهای عربی، ظهور گروه‌های افراطی و تنش‌های جدید میان رژیم صهیونیستی و فلسطینیان باعث شده است که فرانسه با چالش‌های جدیدی روبرو شود. این کشور باید بین حفظ روابط خود با دولت عبری و حمایت از حقوق بشر در فلسطین تعادل برقرار کند (Elnet, 2018).

به طور کلی، فرانسه با ادعای دفاع از حقوق بشر، در قبال فلسطین رویکردی دوگانه دارد. از یک سو، گاهی از انتقاد به نقض حقوق بشر توسط اسرائیل سخن می‌گوید و خواستار آتش‌بس می‌شود، اما از سوی دیگر، همکاری نظامی و اقتصادی با اسرائیل را ادامه می‌دهد.

این دوگانگی نشان‌دهنده تأثیرپذیری از روابط استراتژیک با اسرائیل و لابی‌های صهیونیستی است. همچنین، فرانسه در نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل گاهی از مواضع ضعیف در محکومیت جنایات اسرائیل حمایت می‌کند. این تناقض میان گفتار و عمل، اعتبار فرانسه را به عنوان مدعی حقوق بشر زیر سوال می‌برد و نشان می‌دهد که منافع سیاسی بر اصول اخلاقی اولویت دارد (Le monde, 2024).

۴-۳-۲. رویکرد فرانسه نسبت به طرح دو دولت

فرانسه، همواره خود را حامی صلح و یکی از پیشگامان «راه حل دو دولتی» برای پایان دادن به یکی از طولانی‌ترین مناقشات قرن حاضر معرفی کرده است. این موضع‌گیری رسمی که ریشه در دهه ۱۹۹۰ میلادی و امضای پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ بین سران رژیم صهیونیستی و سازمان آزادیبخش فلسطین دارد، در نگاه اول، موضعی متعادل و عادلانه به نظر می‌رسد. پیمانی که قرار بود طلعه‌دار عصر جدیدی از همزیستی مسالمت‌آمیز باشد و فرانسه نیز همواره از این طرح به عنوان «تنها راه حل ممکن» برای مسئله فلسطین یاد کرده است (Barnavi, 2024: 93-94). با این حال، واکاوی دقیق رفتار دیپلماتیک و مواضع عملی جمهوری فرانسه در طول این سه دهه، پرده از یک پارادوکس بزرگ و یک استاندارد دوگانه ساختاری برمی‌دارد؛ تناقضی بین گفتار و عمل که نه تنها بر بی‌ثباتی منطقه افزوده، بلکه بر اعتبار خود پاریس به عنوان یک بازیگر بی‌طرف و قابل اعتماد خدشه وارد ساخته است.

در کانون این استاندارد دوگانه، مسئله «به رسمیت شناسی» قرار دارد. بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی که در ماده ۱ کنوانسیون مونته‌ویدئو (۱۹۳۳) تبلور یافته است، یک کشور زمانی موجودیت حقوقی می‌یابد که دارای چهار عنصر اساسی باشد: جمعیت دائمی، قلمرو معین، حکومت و توانایی برقراری روابط با دیگر کشورها. این تعریف بارها و از جمله توسط کمیسیون داوری یوگسلاوی در سال ۱۹۹۱ مورد تأیید و استناد قرار گرفته است (Montevideo, 2008). اعلامیه استقلال فلسطین در نوامبر ۱۹۸۸ و به دنبال آن، پذیرش آن به عنوان یک کشور ناظر غیرعضو در سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲، به وضوح نشان می‌دهد که فلسطین واجد این شرایط است. این کشور دارای جمعیتی دائمی با هویتی مشخص، قلمرویی معین (هرچند تحت اشغال)، دولتی با ساختارهای اداری نسبتاً کارآمد و توانایی انعقاد پیمان‌های بین‌المللی است. با این وجود، فرانسه علیرغم حمایت قاطع خود از «طرح دو دولت»، همواره از به رسمیت

شناختن این «دولت» دوم (فلسطین) خودداری ورزیده است. این امتناع، هسته اصلی اتهام استاندارد دوگانه را تشکیل می‌دهد. چگونه می‌توان از راه حلی دفاع کرد که مستلزم وجود دو طرف برابر است، اما یکی از آن طرفین را از ابتدایی‌ترین حق خود، یعنی حق به رسمیت شناخته شدن محروم کرد؟ این رویکرد، طرح دو دولت را از محتوای واقعی خود تهی و آن را به ابزاری برای حفظ وضع موجود تبدیل می‌کند.

از سویی دیگر، ادعای اخیر امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، مبنی بر به رسمیت شناسی دولت فلسطین در سپتامبر ۲۰۲۵ (La Ré daction, 2025)، اگرچه در نگاه اول می‌تواند نشانه‌ای از تغییر این رویکرد تلقی شود، اما در بستر تاریخی رفتار فرانسه، بیشتر به یک مانور دیپلماتیک تکراری شبیه است. با این وجود تاریخ اخیر نشان می‌دهد که به رسمیت شناختن یکجانبه یک کشور مورد مناقشه - مانند مورد کوزوو در سال ۲۰۰۸ یا سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱ - در کوتاه‌مدت عمده‌اثرات نمادین دارد و نمی‌تواند مسائل اصلی ارضی و امنیتی را حل کند. برای فلسطین، موانع اصلی همچنان باقی است: وضعیت اورشلیم، تعیین مرزها، حق بازگشت یا غرامت برای پناهندگان و تضمین‌های امنیتی برای اسرائیل (Ouandjeli, 2025:4)؛ این در حالی است که فرانسه پس از به رسمیت شناختن فلسطین از هیچ برنامه و دیدگاهی برای رفع این موانع ذکر شده صحبت نکرده است.

در واقع مواضع جدید دولت فرانسه، به وضوح نشان می‌دهد که به رسمیت شناسی فلسطین برای فرانسه، نه یک هدف اخلاقی یا حقوقی، بلکه یک «ابزار» تاکتیکی در سیاست خارجی است. ابزاری که عمده‌تأثیر برای اعمال فشار کنترل‌شده بر رژیم اسرائیل و جلوگیری از اقدامات یکجانبه‌ای که ممکن است ثبات منطقه را بیش از این برهم زند، به کار می‌رود. همان‌طور که در تحلیل مؤسسه مونتاین^۷ نیز به آن اشاره می‌شود، فرانسه همواره به دنبال یافتن «لحظه مناسب» برای این اقدام بوده است (Duclos, 2025)؛ به عبارتی به دنبال نفوذ در بین کشورهای عربی و نشان دادن خود به عنوان یک کشور حامی (برای کشورهای عربی) در دورانی که ایالات متحده آمریکا بیشترین همسویی را به اسرائیل از خود نشان داده است. در این ارتباط، گزارش ترندز ریسرچ^۸ نیز به درستی به این موضوع اشاره می‌کند که به رسمیت شناسی فلسطین توسط فرانسه می‌تواند تحول عظیمی در دیپلماسی بین‌الملل ایجاد کند و موازنه قدرت را تغییر دهد.

7. Institut Montaigne

8. Trends Research

به طور کلی، هر چند فرانسه در سپتامبر ۲۰۲۵ اعلام کرده فلسطین را به رسمیت می شناسد ولی این سیاستی برای مستقل نشان دادن راهبرد خود نسبت به آمریکا و ایجاد یک محوری جدید در منطقه که متشکل از دولت جدید سوریه، لبنان و برخی از کشورهای عربی همانند عربستان و امارات که از سیاست نزدیکی بیش از حد ترامپ به اسرائیل ناراضی هستند، می باشد. دولت مکرون این خطر را به خوبی احساس می کند که اگر به طور عملی درصدد ایجاد کشور فلسطین باشد، ساختار جدید مبتنی بر محور اسرائیل-آمریکا، جایی برای بازیگران اروپایی به ویژه فرانسه در منطقه غرب آسیا باقی نمی گذارد. خروج تدریجی نیروهای حافظ صلح (FINUL) تا سال ۲۰۲۷ نمونه ای از این روند است. در این راستا، به موازات وابستگی اسرائیل به آمریکا، اروپا نیز با خطر وابستگی بیشتر به تصمیمات واشنگتن مواجه است. اگر فرانسه در این مسیر جذب شود، قدرت عمل مستقل خود در منطقه را از دست خواهد داد و نقش سنتی خود به عنوان میانجی بین غرب و جهان عرب تضعیف می شود.

۴-۳-۳. رویکرد فرانسه نسبت به شهرک سازی های غیرقانونی اسرائیل

در خصوص مسئله ی شهرک سازی های غیرقانونی رژیم صهیونیستی، پاریس در گفتار دیپلماتیک خود همواره بر مبانی حقوق بین الملل و ضرورت تمایز میان اسرائیل و سرزمین های اشغالی پس از ۱۹۶۷ تأکید کرده است. این موضع در دهه های اخیر در قالب حمایت از قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل، به ویژه قطعنامه های ۲۴۲، ۳۳۸ و ۲۳۳۴، و در چارچوب اتحادیه اروپا از طریق پیگیری «سیاست تفکیک^۹» جلوه یافته است. با این حال، بررسی عمیق تر نشان می دهد که سیاست فرانسه در این حوزه دچار نوعی دوگانگی ساختاری است؛ به گونه ای که فاصله ای معنادار میان مواضع اعلامی و رفتار عملی پاریس در سطوح ملی و دوجانبه با تل آویو مشاهده می شود (Lovatt & Toaldo, 2015) & (Voltolini, 2018;21).

از منظر نظری، موضع فرانسه در برابر شهرک سازی های اسرائیل بر سه اصل استوار است: نخست، عدم به رسمیت شناختن هرگونه تغییر ارضی حاصل از اشغال نظامی؛ دوم، حمایت از راه حل دو دولت به عنوان تنها گزینه ی پایدار برای صلح؛ و سوم، مخالفت با هر اقدامی که مانع تحقق این راه حل شود. در همین راستا، فرانسه در سطح اتحادیه اروپا از سیاست تفکیک حمایت کرده است؛ سیاستی که مبتنی بر تمایز حقوقی و اقتصادی میان اسرائیل در مرزهای ۱۹۶۷

9. Policy of Differentiation

و شهرک‌های مستقر در کرانه‌ی باختری، قدس شرقی و بلندی‌های جولان است. هدف از این سیاست جلوگیری از هرگونه شناسایی ضمنی اشغال و ممانعت از بهره‌مندی شهرک‌های غیرقانونی از مزایای حقوقی و اقتصادی توافق‌نامه‌های اتحادیه اروپا با اسرائیل است (Nikolov, 2014: 171).

فرانسه نه تنها از این سیاست در سطح اتحادیه حمایت کرده، بلکه در برخی مقاطع از محرک‌های اصلی پیشبرد آن نیز بوده است. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۳ پاریس از «دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا درباره‌ی صلاحیت نهادهای اسرائیلی برای دریافت کمک‌ها و جوایز اروپایی» حمایت کرد؛ دستورالعملی که مانع از اعطای هرگونه کمک مالی اتحادیه به مؤسسات مستقر در شهرک‌های اشغالی می‌شد. در سال ۲۰۱۵ نیز فرانسه از «اطلاعیه‌ی تفسیری اتحادیه اروپا درباره‌ی برچسب‌گذاری مبدأ کالاهای تولیدی در سرزمین‌های اشغالی» پشتیبانی کرد، که به موجب آن، محصولات تولیدی در شهرک‌ها باید با برچسبی مشخص از سایر کالاهای اسرائیلی متمایز می‌شدند. این اقدامات در سطح اتحادیه، جلوه‌ای از تعهد فرانسه به اصول حقوق بین‌الملل و مخالفت با اشغالگری اسرائیل تلقی می‌شود. (Votolini, 2018: 21-22)

افزون بر این، چالش‌های فنی در تمایز بین کالاهای اسرائیلی و محصولات شهرک‌ها - به‌ویژه پس از تغییر نظام پستی اسرائیل در سال ۲۰۱۳ - اجرای مؤثر این مقررات را برای گمرکات فرانسه دشوار ساخته است. از سوی دیگر، برای خرده‌فروشان و واردکنندگان نیز فقدان سازوکارهای شفاف و دستورالعمل‌های اجرایی، اجرای صحیح قانون را پیچیده‌تر کرده است. در سطح قضایی نیز مخالفت‌هایی با این رویکرد بروز یافت. در سال ۲۰۱۷، سازمان یهودیان اروپا و شرکت شراب‌سازی PSAGOT علیه بخش‌نامه‌ی دولت فرانسه شکایت کرده و مدعی شدند که استفاده از واژه‌ی «شهرک» دارای بار سیاسی است و نوعی تبعیض علیه اسرائیل محسوب می‌شود. شورای دولتی فرانسه در سال ۲۰۱۸ پرونده را به دیوان دادگستری اتحادیه اروپا ارجاع داد تا تفسیر نهایی از انطباق یا عدم انطباق این بخش‌نامه با حقوق اتحادیه مشخص شود. هرچند این روند قضایی تأثیری نمادین در سطح اتحادیه داشت، اما در عمل موجب تعویق بیشتر اجرای مقررات شد و به اسرائیل فرصت داد تا فشار سیاسی و دیپلماتیک بر کشورهای اروپایی را افزایش دهد. (Briard, 2018)

در عرصه‌ی روابط دوجانبه، تناقض سیاست فرانسه آشکارتر است. در حالی که در بیانیه‌های رسمی پاریس بارها بر «عدم مشروعیت شهرک‌سازی‌ها» تأکید شده و مقامات فرانسوی از

«ضرورت توقف فوری این پروژه‌ها» سخن گفته‌اند، هیچ‌یک از توافق‌نامه‌های دوجانبه میان فرانسه و اسرائیل (در حوزه‌های تحقیق و توسعه، آموزش، محیط‌زیست، فرهنگ، گردشگری و انرژی) شامل بندهای سرزمینی مشخصی نیست که کاربرد آن‌ها را صرفاً به قلمرو اسرائیل در مرزهای ۱۹۶۷ محدود کند. در نتیجه، اسرائیل می‌تواند از این توافق‌نامه‌ها در شهرک‌ها نیز بهره‌برداری کند و این امر در عمل به معنای عدم اجرای اصل «عدم شناسایی اشغال» از سوی پاریس است. بدین ترتیب، فرانسه در سطح گفتار، اشغالگری را محکوم می‌کند، اما در سطح تعاملات اقتصادی و فنی، به نحوی ضمنی آن را نادیده می‌گیرد.

از دید تحلیل‌گران، این دوگانگی ریشه در چند عامل دارد. نخست، فرانسه به عنوان یکی از بازیگران اصلی اتحادیه اروپا همواره تلاش کرده است بین تعهد به ارزش‌های بین‌المللی و حفظ نقش میانجی‌گر خود در خاورمیانه تعادل برقرار کند. اتخاذ موضعی سخت‌تر علیه اسرائیل، خطر از دست دادن نقش سنتی پاریس به عنوان «میانجی متعادل» را در پی دارد. دوم، ملاحظات امنیتی و همکاری‌های اطلاعاتی با اسرائیل، به‌ویژه در حوزه مبارزه با تروریسم و فناوری‌های سایبری، عامل مهمی در تعدیل مواضع فرانسه بوده است (Bicchi & Voltoli, 2018). سوم، فشارهای سیاسی داخلی ناشی از نفوذ لابی‌های طرفدار اسرائیل و نگرانی از افزایش تنش‌های اجتماعی نیز در شکل‌گیری این سیاست محتاطانه بی‌تأثیر نبوده است.

در سطح نظری، این رفتار را می‌توان در چارچوب «دوگانگی هنجاری» سیاست خارجی فرانسه تحلیل کرد. فرانسه در مقام یک قدرت میانه‌رو اروپایی که خود را وارث سنت دیپلماسی چندجانبه و مدافع حقوق بین‌الملل می‌داند، در سطح گفتمانی از اصول جهان‌شمول دفاع می‌کند، اما در عمل، ملاحظات مصلحت‌گرایانه و محاسبات راهبردی مانع از پیاده‌سازی کامل این اصول می‌شود. به بیان دیگر، در حالی که گفتمان رسمی فرانسه مبتنی بر مشروعیت بین‌المللی و قواعد حقوقی است، سیاست عملی آن در قبال اسرائیل و شهرک‌سازی‌ها بیشتر تابع «منطق موازنه‌ی منافع» است تا «منطق هنجاری».

این شکاف میان گفتار و عمل به مرور موجب تضعیف اعتبار اخلاقی فرانسه در میان کشورهای عربی و فلسطینی شده است. هرچند پاریس همواره از تشکیل کشور مستقل فلسطین در چارچوب مرزهای ۱۹۶۷ حمایت کرده و بارها پروژه‌های شهرک‌سازی را مغایر با حقوق بین‌الملل خوانده، اما عدم پیگیری جدی این موضوع در قالب اقدامات ملموس - مانند تحریم

اقتصادی یا محدودیت همکاری‌های دوجانبه - سبب شده است که رویکرد فرانسه از منظر بازیگران منطقه‌ای «شبه‌نمادین» تلقی شود.

در سال‌های اخیر، با افزایش سرعت شهرک‌سازی‌های اسرائیل و تضعیف راه‌حل دو دولت، انتظار می‌رفت که فرانسه موضع قاطع‌تری اتخاذ کند. با این حال، دولت‌های اخیر فرانسه از مکرون تا اولاند، بیشتر به تکرار مواضع سنتی بسنده کرده‌اند. ابتکار صلح پاریس در سال ۲۰۱۶ نیز که هدف آن احیای مذاکرات فلسطینی-اسرائیلی بود، به دلیل عدم آمادگی اسرائیل و فقدان ضمانت اجرایی، عملاً بی‌نتیجه ماند. در عمل، پاریس همچنان از ابزارهای نرم‌افزاری دیپلماسی استفاده می‌کند، اما از اقداماتی که می‌تواند هزینه‌ی واقعی برای اسرائیل ایجاد کند، خودداری می‌ورزد (Voltolini, 2018:20-22).

از منظر سیاست اتحادیه اروپا نیز، اگرچه فرانسه از جمله حامیان اصلی تفکیک حقوقی میان اسرائیل و شهرک‌ها بوده است، اما عدم فشار کافی بر سایر اعضا برای اجرای هماهنگ سیاست‌ها، به نوعی «تفکیک‌گزینشی» منجر شده است (Alcaras, 2020: 221). این وضعیت موجب شده که سیاست اتحادیه، به‌رغم قوت هنجاری آن، در اجرا به سیاستی نمادین تقلیل یابد. فرانسه می‌توانست از ظرفیت‌های خود در شورای امنیت و اتحادیه اروپا برای پیگیری اقدامات الزام‌آورتر استفاده کند، اما ترجیح داده است تا در چارچوب اجماع حداقلی اروپا باقی بماند.

در نهایت، می‌توان گفت که سیاست فرانسه در قبال شهرک‌سازی‌های غیرقانونی اسرائیل نمونه‌ی بارز پیوند میان اصول‌گرایی خطابی و عمل‌گرایی سیاسی است. فرانسه از یک‌سو با تکیه بر سنت گلیستی استقلال در سیاست خارجی و تعهد به چندجانبه‌گرایی، خود را حامی حقوق فلسطینیان و نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون معرفی می‌کند، اما از سوی دیگر، در سطح عمل، به دلیل ملاحظات اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک، از اجرای کامل همین اصول سر باز می‌زند. در نتیجه، می‌توان سیاست فرانسه را نوعی «تفکیک بی‌اثر» دانست؛ تفکیکی که در کلام وجود دارد اما در عمل، به تداوم وضعیت اشغال مشروعیت غیرمستقیم می‌بخشد. این دوگانگی نه تنها بر اعتبار بین‌المللی فرانسه سایه انداخته، بلکه با گذر زمان، توان آن کشور را در ایفای نقش میانجی در روند صلح خاورمیانه نیز کاهش داده است.

۵. نتیجه گیری

رویکرد فرانسه نسبت به مسئله فلسطین در ابتدا تحت تاثیر جنگ کانال سوئز و جنگ الجزایر بود. با استقلال الجزایر از فرانسه، در طی جمهوری پنجم، شارل دوگل رئیس جمهور وقت فرانسه چرخش اساسی را در سیاست های فرانسه در منطقه غرب آسیا را پدید آورد. در واقع، منافع فرانسه در ایجاد یک موازنه بین اعراب و رژیم صهیونیستی در مسئله فلسطین بود. لزوم حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی و اهمیت ژئوپلیتیک کشورهای عربی و به ویژه منابع نفتی موجب شد تا فرانسه پشتیبان طرح دو دولتی باشد. در این پژوهش مشخص شد که رویکرد فرانسه در قبال طرح دو دولت در فلسطین، ترکیبی از حمایت قوی از حقوق فلسطینی ها، انتقاد از سیاست های اسرائیل، تشویق گفت و گو و همکاری بین المللی و تأکید بر امنیت برای هر دو طرف است. همچنین، مقاله حاضر با واکاوی دقیق رویکرد فرانسه در قبال مسئله فلسطین در سه حوزه حقوق بشر، راه حل دو دولتی و شهرک سازی های غیرقانونی به این نتیجه گیری کلیدی دست یافته است که سیاست خارجی فرانسه در قبال این مناقشه، نمونه ای بارز از «رنالیسم مصلحت جویانه» است. برخلاف گفتمان رسمی که بر تعهد به حقوق بین الملل و حقوق بشر تأکید می ورزد، عملگرایی فرانسه در صحنه سیاسی، تقدم منافع ملی و ملاحظات راهبردی را به وضوح نشان می دهد. شکاف عمیق بین گفتار و عمل فرانسه در قالب محکومیت های لفظی فاقد ضمانت اجرا، تعلل در به رسمیت شناسی کامل دولت فلسطین و عدم اجرای مؤثر سیاست تفکیک در برابر شهرک سازی ها، گویای آن است که منافع ملی فرانسه در حفظ روابط استراتژیک با اسرائیل و نفوذ در جهان عرب، بر اصول اخلاقی و هنجاری اولویت دارد. این دوگانگی در سال های اخیر با ظهور بازیگران جدید منطقه ای و تغییر موازنه قوا در غرب آسیا، پیچیده تر شده است. ابتکار اخیر فرانسه برای به رسمیت شناسی دولت فلسطین در سال ۲۰۲۵ نیز، بیش از آنکه نشانه تغییری بنیادین در سیاست باشد، تاکتیکی برای بازتعریف نقش این کشور در معادلات جدید منطقه ای و جلوگیری از حاشیه نشینی در رقابت با قدرت هایی چون آمریکا و روسیه است. بدین ترتیب، رویکرد فرانسه نه بر پایه اصولگرایی حقوقی، بلکه بر مبنای محاسبه سود و زیان راهبردی و تلاش برای حفظ موقعیت خود به عنوان بازیگری تأثیرگذار در معماری جدید منطقه ای استوار شده است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

1. Al Qubaisi, Shamsa (2025). France's Move Toward Recognizing the Palestinian State: Shifts in the Balance of International Diplomacy, *Trends Research*, Available at : <https://trendsresearch.org/insight/frances-recognition-of-palestine-and-partnership-with-saudi-arabia-shifts-in-the-balance-of-international-diplomacy/?srsltid=AfmBOopsPKJPEK6htfym-h57FKARwczKUGtE6YoJnBvAx7CSvoKLjC-Xz>
2. Babazadeh, B., Mahdnoor, M., Soltani, F. and Tork Ladani, S. (2024). An analysis of Edward Said's views on the issue of Palestine in his works. *Political studies of Islamic world*, 13(2), 39-54. doi: 10.30479/psiw.2024.19370.3270
3. Barnavi, É. (2024). Israël-Palestine : une seule solution, les deux États. *Politique étrangère*, N° 242(2), 89-100. <https://doi.org/10.3917/pe.242.0089>. [In French]
4. Bauchard, Denis (2024). «France and the war in Gaza», *Centre Français de recherche sur l'Irak (CFRI)*. Available at : <https://cfri-irak.com/article/france-and-the-war-in-gaza-2024-02-23>
5. Bicchi, F., & Voltolini, B. (2018). Europe, the Green Line and the Issue of the Israeli Palestinian Border: Closing the Gap between Discourse and Practice? *Geopolitics*, 23(1), 124–146.
6. Boniface, Pascal (2020). Beyond Islamophobia: France's policies toward the Arab world, *The French Institute for International and Strategic Affairs (IRIS)*, Availalable at : <https://www.iris-france.org/en/presse/beyond-islamophobia-frances-policies-toward-the-arab-world/>
7. De Montbrial, T. (2021). La politique étrangère de la France : un cap pour les trente prochaines années. *Politique étrangère*, Hiver (4), 9-22. <https://doi.org/10.3917/pe.214.0009>. [In French]
8. Dot-Pouillard, Nicolas (2017). La France et la question palestinienne: la fin d'une politique française au Proche-Orient? . *Moyen-Orient*, France: le re-

tour d'une politique arabe? 34. ffhalshs-01565558f

9. Duclos, Michel (2025). Should France Recognize the State of Palestine?, *institute montaigne*. Available at: <https://www.institutmontaigne.org/en/expressions/should-france-recognize-state-palestine><https://www.institutmontaigne.org/en/expressions/should-france-recognize-state-palestine>
10. El Kihal, N. (2024). Évolutions de la diplomatie française à l'égard de la Question de Palestine, *CERS*. Avalable sur : <https://crssciencespo.com/levant/volutions-de-la-diplomatie-franaise-lgard-de-la-question-de-palestine> [In French]
11. Elnet (2018). «Le bilan du quinquennat de François Hollande en matière de politique étrangère et dans la relation avec Israël», *Elnet*, consulté le 3 Septembre 2016. URL: <http://elnetwork.fr/le-bilan-du-quinquennat-de-francois-hollande-en-matiere-de-politique-etrangere-et-dans-la-relation-avec-israel> [In French]
12. Éthier, D. (2010). Introduction aux relations internationales (1-). Presses de l'Université de Montréal. <https://doi.org/10.4000/books.pum.6398>
13. France Diplomatie (2020). Israël / Territoires palestiniens : 9 clés pour comprendre la position de la France, *Ministère de l'Europe et des Affaires étrangères*, Available at : www.diplomatie.gouv.fr/fr/dossiers-pays/israel-territoires-palestiniens/processus-de-paix/ [In French]
14. France Diplomatie (2024). Action humanitaire de la France dans les territoires palestiniens, *Ministère de l'Europe et des Affaires étrangères*, Available at: <https://www.diplomatie.gouv.fr/fr/dossiers-pays/israel-territoires-palestiniens/action-humanitaire-de-la-france-dans-les-territoires-palestiniens/> [In French]
15. Geisser, V. (2024). Gaza, les déplacements comme politique d'anéantissement Face à l'horreur, le devoir de parole. *Migrations Société*, n° 198(4), 5-14. <https://doi.org/10.3917/migra.198.0005>. [In French]
16. Guarino, G. (2012). The Palestine Liberation Organization and its Evolution

- as a National Liberation Movement. *Rivista della Cooperazione Giuridica Internazionale*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2014701>
17. Imseis, A. (2018). *The United Nations and the question of palestine: A study in international legal subalternity*, University of Cambridge: Fitzwilliam College.
 18. Jeangène Vilmer, J.-B. (2023). Chapitre II. *Le réalisme. Théories des relations internationales* (p. 21-45). Presses Universitaires de France.
 19. Koohkan, A., Javadi Ghaleh, H. and Mohammadi Kavand, S. (2025). A comparative analysis of the two-state and one-state solution to the Israeli-Palestinian conflict. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(2), 336-362. doi: 10.22034/fasiw.2025.509192.1451 [In Persian]
 20. Kumari, Anil (2023). Classical realism vs structural realism, *International Journal of Humanities and Social Science Research*, Volume 9, Issue 3, Page No. 56-58
 21. La Rédaction (2025). La France va reconnaître l'État de Palestine en septembre 2025 à l'ONU, *Vie-publique.fr*. Available sur : <https://www.vie-publique.fr/en-bref/299680-une-reconnaissance-prochaine-par-la-france-de-letat-de-palestine> [In French]
 22. Le monde (2024). Guerre au Proche-Orient : « La politique du “deux poids, deux mesures” rend nos pays inaudibles à l'échelle de la planète », *Le monde*. Available at : https://www.lemonde.fr/idees/article/2024/10/30/guerre-au-proche-orient-la-politique-du-deux-poids-deux-mesures-rend-nos-pays-inaudibles-a-l-echelle-de-la-planete_6366627_3232.html [In French]
 23. Le site de Sénat (2023). Le volet méditerranéen de la politique de voisinage : le cas d'Israël et des Territoires palestiniens. *Sénat*, Available sur : <https://www.senat.fr/rap/r17-662/r17-6621.html> [In French]
 24. Montevideo (2008). Treaties and Other International Agreements of the United States of America 1776-1949, *Washington, DC* : Government Printing Office. Availbl in: https://avalon.law.yale.edu/20th_century/intam03.asp

25. Mousavi, S S , Rahim Eivazi, M and Ashrafi, S M . (2021). A Comparative Study of the Iraqi Popular Mobilization forces and Palestinian Hamas. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 3(9), 140-165. [In Persian]
26. Nikolov, K. Y. (2014). ASHTON'S SECOND HAT: The EU Funding Guidelines on Israel as a Post-Lisbon Instrument of European Foreign Policy Making. *Diplomacy*, 11, 168-188.
27. Ouandjeli, L.(2025). Le possible impact de la reconnaissance de l'État de Palestine par la France : une analyse géopolitique et juridique. *EISMENA*, 35-37. <https://shs.cairn.info/revue-eismena-2025-3-page-35?lang=fr>.
28. Rota, O. (2017) "La Déclaration Balfour, du « triomphe juif » au réveil du nationalisme arabe (1917-1920). Entre illusions et malentendus ?", *Tsafon*, 74, 65-84. [In French]
29. Safouri, Eman (2024). French Foreign Policy in the Middle East During President Macron's First Term: Researcher's Curriculum Vitae, *Jordan Journal of Applied Science-Humanities Series*. Vol. 40: Iss. 2. Available at: <https://digitalcommons.aaru.edu.jo/jjoas-h/vol40/iss2/10>
30. Soltani, F , Javdani Moqaddam, M. and Beygi, A. R. (2021). The Future Study of France Foreign and Defense Policy in Yemeni Crisis and its Effect on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *International Studies Journal (ISJ)*, 17(4), 27-45. doi: 10.22034/isj.2021.266735.1354 [In Persian]
31. Soltani, F. et all. (2026). The Impact of the Palestinian Question on the Political and Social Actions of the La France Insoumise Party, 16(2)
32. Voltolini, B. (2018). France and the Israeli occupation: Talking the talk, but not walking the walk? *Global Affairs*, 4(1), 51-63. <https://doi.org/10.1080/23340460.2018.1507286>
33. Yldiz, C. (2012). *La France et La Turquie face au Printemps arabe*, Grenoble : Université Pierre Mendès France. [In French]